

شهر دوست‌دار زن

شناسایی معیارهای شهر دوست‌دار زن

از نظر زنان متعلق به پایگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی تهران

نعمت‌الله فاضلی*

محدثه ضیاچی**

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی برخی از معیارهای شهر دوست‌دار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی است. این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و کیفی است. روش مورد استفاده اتنوگرافی (مردم‌نگاری) و شیوه جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه مسئله‌محور است. جمعیت آماری زنان ۱۸ تا ۵۰ سال ساکن تهران‌اند که طی پنج سال گذشته ساکن تهران بوده‌اند. نمونه‌گیری غیراحتمالی و قضاوتی و حجم نمونه نوزده نفر است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان مصاحبه‌شونده، با بهره‌مندی از هشت ویژگی، تهران شهری دوست‌دار زن می‌شود: تهران امن، تهران راحت، تهران فعال، تهران مشارکتی، تهران فراغتی، تهران عادلانه، تهران زیبا، و تهران دوست‌دار کودک. علاوه بر این، دو متغیر رده اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی تفاوت‌چندانی در دیدگاه‌های زنان درباره معیارهای شهر دوست‌دار زن ایجاد نمی‌کند، بلکه سه موقعیت خانه‌داری، اشتغال، و مادری است که تفاوت‌هایی در دیدگاه‌ها، نیازها، و دغدغه‌های زنان در زندگی شهری ایجاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زنان، زندگی شهری، فضاهای شهری، شهروندی، شهر دوست‌دار زن.

* دانشیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی nfazeli@hotmail.com
** دانش‌جوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) m.ziyachi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۱۷

۱. مقدمه

فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی متعلق به عموم شهروندانند و باید دارای ویژگی‌های دموکراتیک بودن، در دسترس بودن برای همه گروه‌ها، و آزادی عمل نسبی باشند (پرتویی، ۱۳۹۱: ۱۶). این فضاها به منظور دستیابی به عدالت شهروندی باید بتوانند محیطی امن، سالم، پایدار، و جذاب برای همه شهروندان فراهم کنند تا همه گروه‌های اجتماعی فارغ از محدودیت‌های سنی، جنسیتی، قومی، و ... بتوانند از فضا و امکانات شهری بهره‌برند و در زندگی شهری مشارکت داشته باشند. مطلوبیت یک فضای شهری، به‌ویژه در خصوص برخی از فعالیت‌ها، به میزان برداشت و ادراک نیازهای فرد استفاده‌کننده از فضا بستگی دارد (قرایی، ۱۳۹۱: ۱۸)؛ یعنی شرایطی برابر به منظور استفاده و بهره‌مندی افراد متعدد از فضاهای شهری اهمیت بسیاری دارد. از این رو ممکن است گروهی از افراد یک فضای شهری را مناسب و مطلوب ارزیابی کنند و گروهی دیگر نامناسب.

با این حال فضاهای عمومی جنسیتی‌اند (غنام، ۱۳۹۲: ۳۹). در فضاهای شهری مردان آزادی بیشتری در رفت و آمد و دسترسی به فضاهای عمومی دارند؛ و زنان به دلایلی از جمله نحوه پوشش، فیزیولوژی، و سایر ویژگی‌های زنانه محدودیت بیشتری دارند و فعالیتشان در فضاهای شهری محدود به زمان‌های خاصی است (مک‌داول، ۱۳۹۲: ۸). این در حالی است که زنان نیاز بیشتری به فضای مناسب‌تر شهری حتی در چهارچوب نقش‌های حمایتی‌شان دارند. زنان خانه‌دار علاوه بر فعالیت‌های خانه‌داری با محیط‌های مختلف مانند بانک‌ها، اداره‌های بیمه و خدمات، مغازه‌ها، و فروشگاه‌ها مواجه‌اند. این در حالی است که شهر به طور کلی چه در کشور ما و چه در سایر کشورها به دست مردان احداث شده و شروع شهرسازی از سوی مردان بوده است. بنابراین، عموماً شهرها مسائل زنان را کم‌تر در نظر گرفته‌اند (اعتماد و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۱).

ایده و مفهوم شهر دوست‌دار زن حاصل تلاش برای حل مسائل و مشکلات زنان و ارتقا و بهبود وضعیت آنان در زندگی شهری است. شهر دوست‌دار زن در مفهومی وسیع اشاره به شهری مطلوب و مناسب زندگی اجتماعی زن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، کالبدی، بهداشت و سلامت، و سایر امور زندگی اجتماعی شهری دارد. هدف از ایجاد شهر دوست‌دار زن فراهم آوردن فضا و امکاناتی در شهر و ابعاد مختلف زندگی شهری است که فعالیت زنان در شهر را تسهیل و زندگی‌شان را درون فضای شهری آسان‌تر کند. به رغم توسعه این مفهوم در برخی کشورها، تاکنون طرح مشخصی با این عنوان در

ایران انجام نشده است. البته پژوهش‌های مختلفی دربارهٔ مسائل زنان به طور کل و مسائل شهری زنان به طور خاص انجام شده است، اما بخش عمده‌ای از این پژوهش‌های شهری به مسئله امنیت زنان در شهر و فضاهای شهری توجه کرده است. علاوه بر این، این مسئله را نیز بیش‌تر از منظر کالبدی و فیزیکی بررسی کرده‌اند. چنین پژوهش‌هایی فاقد نگاهی همه‌جانبه و کل‌گرا به مسائل و دغدغه‌های زنان شهری است. علاوه بر این، به معیارهای مطلوب و مورد نظر زنان نیز، نه در تحقیقات آکادمیک توجه شده است و نه در بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کالبدی و غیر کالبدی شهر. در ایران نیز عموماً برنامه‌ریزی‌های شهری و تدارک امکانات فضایی از منظری مردانه صورت می‌گیرد و تصور می‌شود همهٔ شهروندان فارغ از قیود سنی و جنسیتی به یک میزان از این برنامه‌ها منتفع می‌شوند. البته این بدان معنا نیست که شهرها و کلان‌شهرها مشکلی برای مردان ندارند. مشکلات متعدد شهری مانند ترافیک، آلودگی هوا، و استفاده از تسهیلات و خدمات شهری مسائلی عام‌اند که هم زنان و هم مردان را درگیر می‌کنند، اما عموماً مسائل و مشکلات شهری برای اقشار آسیب‌پذیر بیش‌تر و گسترده‌تر است و زنان در برخی مسائل نسبت به مردان آسیب‌پذیرترند. هر چند ممکن است در یک شهر امکانات فضایی چندان توسعه‌یافته‌ای برای هیچ‌کس، فارغ از مرد یا زن بودن، وجود نداشته باشد، اما مسئله این است که همان فضاها و امکانات نه چندان پیشرفته عموماً برای مردان آسان‌تر قابل استفاده‌اند و چه‌بسا زنان به دلیل داشتن تفاوت‌های بیولوژیکی و اجتماعی خود به خود از برخی فضاها حذف شوند. برای مثال، در کلان‌شهری مانند تهران که شهروندان با دشواری‌های متعدد زندگی شهری مانند ترافیک، آلودگی هوا، دوری مسافت‌ها، دشواری‌های حمل‌ونقل عمومی، و ناامنی برخی فضاها و معابر مواجه‌اند، عمدتاً زنان دشواری‌های مذکور را به طور مضاعفی متحمل می‌شوند. برای مثال، وسیلهٔ نقلیه‌ای مانند مترو، به رغم داشتن ازدحام بسیار جمعیت، برای مردان و گروهی از زنان قابل استفاده است، اما زنی باردار و یا مادری با فرزند کوچک عملاً امکان استفاده از چنین وسیلهٔ حمل‌ونقلی را ندارد. مثال دیگر مربوط به مسئله امنیت است که در تحقیقات بسیار متعددی ارزیابی شده است؛ پایین بودن سطح امنیت در شب سبب ناامنی برخی ایستگاه‌های اتوبوس شده است و امکان ایستادن زنان در این ایستگاه‌ها و استفاده از این وسیلهٔ حمل‌ونقل را از آنان سلب می‌کند. علاوه بر این، دوری مسافت‌ها و نبود دسترسی آسان به وسایل حمل‌ونقل عمومی در برخی مناطق، در کنار پایین بودن میزان امنیت عینی و ذهنی زنان در شهر، از جمله عواملی است که باعث می‌شود زنان در بسیاری از موارد امکان اشتغال را از دست بدهند. نمونه‌های متعددی را

می‌توان بیان کرد که نشان می‌دهد چگونه زنان به دلایل مختلف از برخی فضاها یا امکانات شهری محروم شده‌اند و یا استفاده آنان با مشقت بیش‌تری نسبت به مردان همراه است. اشاره به مصادیق کالبدی بدین معنا نیست که تفاوت تجربه زنان و مردان در شهر محدود به فیزیک و کالبد شهر است. زنان و مردان شهری در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اشتغال و استخدام، آموزش، حقوق و قوانین، مشارکت سیاسی و اجتماعی، بهداشت و سلامت، و سایر امور در زندگی شهری در وضعیت متمایزی به سر می‌برند. به بیان دیگر، زندگی شهری زمینه‌ساز بروز تبعیض‌های متنوعی است که عموماً به زیان زنان است. لازمه تحقق جامعه‌ای عدالت‌محور نیز رفع نیاز همه شهروندان در سطحی برابر است.

بنابراین، هدف ما در این مقاله بررسی این مفهوم و ارائه برخی معیارها و شاخص‌های یک شهر دوست‌دار زن است. به بیان دیگر، هدف از این تحقیق بررسی یکی از موضوعات اصلی در نظریه اجتماعی شهر، یعنی مناسبات میان فضای شهری و زنان در جامعه ایران، با توجه به دیدگاه‌ها و ایده‌های زنان است. این پژوهش می‌تواند ما را به درکی عمیق‌تر و مفهومی از خواست‌ها و علایق و همچنین مشکلات زنان در زندگی شهری و دستیابی به برخی از ویژگی‌ها و معیارهای یک شهر دوست‌دار زن برساند. به نظر می‌رسد زنان در زندگی شهری، به رغم داشتن ویژگی‌های فیزیولوژی و برخی ویژگی‌های اجتماعی مشترک، بنا بر جای‌گاه‌شان در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه و منطقه سکونت و رفت و آمد و هم‌چنین امکانات در دسترس، تجربه و احساس یکسانی درباره ابعاد مختلف زندگی شهری نخواهند داشت. علاوه بر این، نگرش‌ها و ایده‌های زنان درباره چپستی و چگونگی یک شهر مطلوب تا حد زیادی متأثر از ارزش‌ها، اعتقادات، و باورهای کلی آنان در زندگی شخصی و اجتماعی است. نمود ظاهری این مجموعه ارزشی را می‌توان در رده اجتماعی زنان ملاحظه کرد. بنابراین در پژوهش پیش رو، به منظور دستیابی به طیف متنوعی از ایده‌ها، اکتشاف ویژگی‌ها و معیارهای شهر دوست‌دار زن بر اساس تجربیات زنان متعلق به پایگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی خواهد بود. بخشی از این تجربه‌ها طبیعتاً معطوف به محدودیت‌ها، چالش‌ها، و نیازهایی است که زنان در جامعه شهری امروز ایران دارند و بخشی دیگر از این تجربیات معطوف به فرصت‌ها، امکانات، و زمینه‌هایی است که زنان در فضای شهری برای بهبود و ارتقای زندگی خود به دست آورده‌اند. این چالش‌ها و فرصت‌ها در ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، و حقوقی زندگی شهری زنان وجود دارد. ما این هدف را در قالب یک پرسش اصلی و دو پرسش فرعی دنبال می‌کنیم:

پرسش اصلی:

زنان ساکن تهران چه معیارها و ویژگی‌هایی را برای دوست‌دار زن شدن تهران بیان می‌کنند؟

پرسش‌های فرعی:

- زنان در رده‌های مختلف اجتماعی چه معیارها و شاخص‌هایی را برای دوست‌دار زن شدن تهران بیان می‌کنند؟

- زنان متعلق به پایگاه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی چه معیارها و شاخص‌هایی را برای دوست‌دار زن شدن تهران بیان می‌کنند؟

۲. پیشینه پژوهش

۱.۲ پروژه شهر فراگیر (inclusive city)، مونترآل کانادا

اولین پروژه شهر دوست‌دار زن در مونترآل در سال ۱۹۹۷ آغاز شد. تمرکز این پروژه بر دو حوزه اساسی بود:

- مشارکت و حضور زنان در زندگی شهری؛

- مشارکت و حضور زنان در موقعیت‌های رهبری، تصمیم‌گیری، و سایر مدیریت‌ها.

در این زمینه، مونترآل در چهار موضوع اصلی راه‌بردهایی را طراحی و اجرا کرده است: **مشارکت سیاسی**: اجرای اقداماتی مانند توسعه آموزش قانونی و راه‌بردی برای کاندیداهای زن در موقعیت‌های انتخاباتی، افزایش مشارکت زنان در موقعیت‌های انتخاباتی از طریق تماس نزدیک با شهرداری‌ها و سایر انجمن‌های زنان، نوشتن راه‌بردهایی برای تدوین دوباره ساختار شهرداری؛

اشتغال: طراحی برنامه استخدام برابر به منظور افزایش تعداد زنان در موقعیت‌های مدیریتی و سایر مشاغل تخصصی، ایجاد امکاناتی برای کمک به زنان و مردان به منظور ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های خانوادگی و کاری مانند ساعت‌های کاری پاره‌وقت و مراقبت‌های روزانه در محل کار؛

امنیت: انتشار سه کتاب راهنمای امنیت درباره برنامه‌ریزی و طراحی امنیت‌محور، اجرای برنامه‌های آموزشی درباره امنیت زنان در رابطه با مردان؛

مسکن: اجرای طرح «ایجاد و توسعه پروژه‌های مسکونی توسط زنان» به نحوی که مجتمع‌های مسکونی پاسخ‌گوی نیاز زنان و ساکنان منطقه باشد (Abada, 2013: 42-45).

۲.۲ پروژه شهر دوست‌دار زن، سئول کره جنوبی

پروژه شهر دوست‌دار زن سئول، که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، استراتژی‌ای فراگیر برای اجرای سیاست‌های شهری اتخاذ کرد تا برابری جنسیتی و رفاه زنان را افزایش دهد. در این پروژه به منظور بهبود زیرساخت‌ها در یک شکل دوست‌دار زن، اتاق‌های استراحت در خیابان‌ها، پیاده‌روهای دوست‌دار زن و پارکینگ‌های دوست‌دار زن ایجاد شدند. در زمینه اشتغال زنان، این برنامه زنان بیکار شده یا به مرخصی رفته را مجدداً به سرکارشان برمی‌گرداند و از طریق ایجاد فرصت‌های بیش‌تر شغلی، که به زنان امکان برقراری تعادل میان نیازهای شغلی و خانوادگی‌شان را می‌داد، از مشاغل دوست‌دار زن حمایت می‌کرد. همچنین، طرح‌هایی مانند آموزش به منظور پیش‌گیری از تجاوز جنسی، دادن مرخصی زایمان یا نگهداری از فرزند، افزایش میزان زنان کارمند، و قرار دادن بیش‌تر زنان در سمت‌های اجرایی اجرا شدند. بخش دیگری از برنامه‌های پروژه مربوط به استقرار حکم‌روایی دوست‌دار زن بود که مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری را تشویق می‌کرد. همچنین، پروژه سئول به منظور بهبود سیستم حمل‌ونقل عمومی برای افزایش راحتی و امنیت زنان، اقداماتی مانند ایجاد تاکسی تلفنی‌های امن برای زنان، اتوبوس‌های دوست‌دار زن (تمرکز بر رانندگی امن، قرار دادن دست‌گیره‌های اتوبوس در سطح پایین‌تر)، تهیه نقشه امنیت زنان، و ایجاد تغییرات محیطی را اجرا کرد (ibid: 59-62).

۳.۲ برنامه شهر دوست‌دار زن، استانبول ترکیه

در سال ۲۰۰۷ «برنامه مشارکتی حمایت و توسعه حقوق انسانی زنان و دختران» با عنوان «شهرهای دوست‌دار زن» در شش ایالت گوناگون در سراسر ترکیه اجرا شد. در این برنامه، که تا سال ۲۰۰۹ به پایان رسید، اقدامات مختلفی اجرا شد. ایجاد تیمی بحرانی برای زنانی که اقدام به خودکشی کرده بودند، واحدهای سلامتی سیار برای کارگران فصلی، و آموزش برابری جنسیتی به مسئولان و مدیران محلی از جمله برنامه‌های این پروژه بودند. همچنین، کمیسیون‌های برابری جنسیتی در مجالس عمومی و انجمن‌های شهرداری استقرار یافتند. سایر اقدامات مانند ارتقای بودجه جنسیتی، مراکز جدید حمایت از زنان، ایجاد واحدها و هیئت‌های زنان در دولت و شهرداری‌ها نیز انجام شد. علاوه بر این، به منظور دوست‌دار زن شدن شهرها مقرر شد برنامه‌های اجرایی، خدمات شهری را با در نظر گرفتن نیازهای خاص زنان مانند ایجاد مراکز حمایت از زنان، مراکز نگهداری از کودکان، و مراکز ویژه زنان

اجرا کنند. در این برنامه به برقراری امنیت شهرها، افزایش تعداد پارک‌ها و بوستان‌ها، امکان دسترسی زنان به خدمات، و بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی زنان نیز توجه شد (GÖZKE, 2009). دومین پروژه شهر دوست‌دار زن ترکیه در ژوئن سال ۲۰۱۱ آغاز شد. هدف نهایی این پروژه عبارت بود از ارتقا و دوست‌دار زن کردن محیط از طریق ایجاد جریان جنسیتی در فرایند برنامه‌ریزی محلی و گفت‌وگوی محلی با سازمان‌های زنان و سازمان‌ها و نهادهای دولتی در سطح محلی و ملی.

۴.۲ پروژه شهر دوست‌دار زن، شهر کوچی هند

پروژه سابالا که در شهر کوچی هند اجرا می‌شود، از طریق برنامه‌های مختلف به دنبال حل بیش‌تر مسائل پیش روی زنان و ایجاد شهری دوست‌دار زن است. برخی از اهداف پروژه عبارت‌اند از:

الف) بسط مراقبت‌های پزشکی برای خانوارهایی که اعضایشان فقط زنانند. هزینه‌های آموزشی چنین خانواده‌هایی نیز به طور کامل از سوی این برنامه‌ها تأمین می‌شود؛

ب) فراهم کردن امکانات سکونت جدید برای زنان در شهر به منظور تضمین امنیت زنان مسافری که با اهداف مختلف به این شهر می‌روند. علاوه بر وجود تیم کارکنان زن و محل‌های سکونت، سایر امکانات مانند رزرو آنلاین، تاکسی، و سایر خدمات نیز تأمین خواهد شد؛

ج) اتوبوس‌های ویژه زنان اقدام بدیع دیگری بود که در پروژه طراحی شد. بر اساس این هدف، همه اتوبوس‌ها دارای قسمت زنانه خواهند شد؛

د) به منظور مقابله با سوءاستفاده از کودکان، تیمی متشکل از سه مشاور در هر مدرسه مستقر خواهد شد تا دانش‌آموزان را در برابر فسادهای جدید مانند جرایم اینترنتی و سوءاستفاده از آن‌ها از طریق تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی حمایت کنند (Usha, 2013).

علاوه بر این، در فوریه سال ۲۰۱۴، پروژه امنیت زنان با کمک دولت مرکزی به منظور تضمین امنیت زنان و بچه‌ها در کرالا آغاز شد. بر اساس برنامه، هر دولت محلی دارای ده داوطلب خواهد بود. این داوطلبان بازدیدهای مکرر از خانه‌هایی خواهند داشت که زنان تنها، بیوه‌ها، و افراد مسن در آن‌ها زندگی می‌کنند. هدف از این بررسی سنجش میزان رفاه آنان است و این‌که اگر این زنان نیاز به کمک پلیس داشتند، برایشان فراهم شود (Ramsay, 2014).

۳. ملاحظات نظری و مفهومی شهر دوست‌دار زن

درباره زندگی و فضای شهری دیدگاه‌های نظری متعددی مطرح است، که دربرگیرنده عناصر و مفاهیم پشتیبان شهر دوست‌دار زن است. در ادامه به اختصار برخی از این نظریات را بیان می‌کنیم.

۱.۳ فمینیسم

پژوهش‌گران فمینیست بسیاری از رویکردهای مطالعات شهری را به دلیل مردانه بودن نقد کرده‌اند. مطابق با نظر این پژوهش‌گران، به لحاظ تاریخی، عموماً معماری و برنامه‌ریزی شهری حرفه‌ای مردانه است و رویکردی را ترویج می‌دهد که فضاهای شهری را هم‌گون و بی‌جنسیت تلقی می‌کند (دلورس و هم‌کاران، ۱۳۹۲: ۳۱). پیش‌فرض این دیدگاه این است که گویا نیازها و علایق مردان عمومی و همگانی است. فمینیست‌ها بررسی می‌کنند که چگونه سیاست شهری، ساختار شهرها، و همچنین مطالعات شهری زمینه‌ساز به حاشیه رفتن و نادیده گرفتن نیازها و اولویت‌های زنان شده است. دیدگاه فمینیستی به بسیاری از مسائل زندگی شهری مانند استفاده متفاوت زنان و مردان از فضای شهری، لزوم حمایت از امنیت زنان در شهر، نیاز ویژه زنان به حمل‌ونقل، و لزوم حضور فعال و برابر زنان در عرصه‌های عمومی و اقتصادی توجه می‌کند.

۲.۳ رویکرد عدالت فضایی

یکی از ابعاد جوامع انسانی سازمان‌دهی فضا است. بنابراین، تحلیل رابطه میان فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و چگونگی تنظیم سیاست‌های برنامه‌ریزی برای حل و کاهش آن‌ها ضروری است. عدالت فضایی، بر اساس ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده، مبتنی بر رفتار برابر با ساکنان یک منطقه است. بنابراین، از این منظر برنامه‌ریزان باید در پی حل این مسئله باشند که در الگوی مکان‌یابی خدمات و تسهیلات ایجادشده و چگونگی توزیع آن‌ها چه حدی از نابرابری اعمال می‌شود و چه اقصای محرومیت بیش‌تری دارند (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). از منظر عدالت فضایی، زنان گروهی اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند که نیازهای متفاوتی در شهر دارند. از آن‌جا که هدف عدالت فضایی دسترسی همه شهروندان فارغ از قیود سنی، جنسیتی، و ... به امکانات و خدمات عمومی فضا است، توجه به نیازهای زنان در برنامه‌ریزی‌های شهری عاملی اساسی

در دست‌یابی به عدالت محسوب می‌شود. این توجه و تمرکز بر دسترسی زنان به خدمات و امکانات شهری در بیش‌تر پروژه‌های شهر دوست‌دار زن بررسی شده است.

۳.۳ رویکرد حکم‌روایی خوب

الگوی حکم‌روایی خوب مبتنی بر هم‌کاری سه بخش دولت، جامعه مدنی، و بخش خصوصی است. این الگو دارای چند اصل اساسی است:

- مشارکت: حضور همه مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌های مختلف؛
 - حاکمیت قانون: چهارچوب قانونی عادلانه و حامی محرومان و وجود فضایی بی‌طرفانه و منعطف، دستگاه قضایی مستقل، و نیروی پلیس بی‌طرف و عاری از فساد؛
 - شفافیت: وجود جریان آزاد و اطلاعات در دسترس برای همه؛
 - مسئولیت‌پذیری: مسئولیت‌پذیری نهادهای تصمیم‌گیرنده درباره تأمین خواسته‌ها و تمایلات افراد؛
 - اجماع‌سازی: اجماعی گسترده درباره منافع و سلايق مختلف در جامعه؛
 - عدالت و انصاف: برخورداری همه افراد جامعه از فرصت‌های برابر و حمایت از گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر؛
 - پاسخ‌گویی: پاسخ‌گویی دولت، بخش خصوصی، و سازمان‌های جامعه مدنی به همه مردم و افراد ذی‌نفع (رفیعیان و حسین‌پور، ۱۳۹۰: ۹۵-۹۶).
- حکم‌روایی خوب را می‌توان در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نیز به اجرا درآورد. بر این اساس، زنان نیز به منزله گروهی از شهروندان باید بتوانند فعالانه در همه سطوح و مراحل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در نقش افراد عادی و نیز افراد مؤثر و تصمیم‌ساز حضور داشته باشند.

۴.۳ حقوق شهروندی

ماریون یانگ نظریه خود را بر اساس نقد نظریه شهروندی مارشال مطرح می‌کند. یانگ معتقد است نظریه شهروندی در عین‌رهای بخش بودن سرکوب‌گر است، چراکه این نظریه با طرح موضوع همه‌شمولی زنان را هم مشمول شهروندی قرار می‌دهد، اما در عین حال دو معنای ضمنی همه‌شمولی را پرورش می‌دهد که رهایی‌بخشی شهروندی را مخدوش می‌کند. یک معنا عمومیت است که بر اساس آن شهروندان باید برای دست‌یابی به خیر

مشترک تفاوت‌هایشان را کنار بگذارند. معنای دیگر نیز یک‌سانی و یک‌شکلی است. بر اساس این معنا، قوانین فارغ از تأثیرشان در افراد و گروه‌ها به صورت یک‌سان بر همه اعمال می‌شود. به نظر یانگ این دو جنبه از همه‌شمولی باعث طرد، محرومیت، و سرکوب گروه‌های متفاوت اجتماعی از جمله زنان می‌شود (توانا، ۱۳۹۰: ۲۷، ۳۰). یانگ معتقد است که مشمولیت و مشارکت همه، از جمله زنان، نیازمند شهروندی متمایز یا اعطای حقوق خاص به گروه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت از جمله زنان است.

۵.۳ جغرافیای فمینیستی

محیط زیست شهری در جهت‌دهی به نگرش و رفتار افراد نقش بسیار مهمی دارد. جرج کیلینگ (George L. Killing) و جیمز ویلسون (James Q. Wilson) در مقاله خود با عنوان «پنجره‌های شکسته‌شده: پلیس و امنیت محله‌ها» این ایده را مطرح کرده‌اند که غفلت‌های کوچک مقیاس، مانند یک پنجره شکسته، نشان‌دهنده زوال و بی‌تفاوتی است که موجب تشویق رفتارهای ضد اجتماعی بسیاری می‌شود و این مسئله زمینه‌ساز جرم و جنایت‌های بزرگ‌تر می‌شود (شورت، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۲۰۳). این ایده ظاهراً ساده دارای توصیه‌ها و پیشنهادات مشخصی بود: تعمیر و بازسازی پنجره‌های شکسته کاهش جرم و جنایت را به همراه خواهد داشت. هر چند ممکن است این فرضیه کاملاً صحیح نباشد، اما برقراری نظم احتمال و امکان وقوع جرایم را کاهش می‌دهد.

نیومن نیز در نظریه خود با عنوان «فضای قابل دفاع» عواملی مانند ایجاد قلمروی مناسب، احساس تعلق به مکان، و امکان نظارت و بهبود شرایط فیزیکی را راه‌حل‌هایی برای کاهش ترس می‌داند. به نظر وی طراحی‌های ویژه میزان جرم و جنایت را کاهش می‌دهند (همان: ۲۰۱). به اعتقاد نیومن، معانی و رفتارهای مربوط به یک فضا با میزان قابلیت پدیداری یا شفافیت، گشودگی، و سهولت دسترسی یا خروج هم‌بسته است. نورپردازی مناسب معابر و خیابان‌ها و نیز دوربین‌های تلویزیونی مداربسته یکی از این عوامل تأثیرگذار در امنیت واقعی و ذهنی محیط است (تانکیس، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۶۳).

۴. جمع‌بندی مفهومی و نظری

میان رویکردهای نظری و مفهومی بیان‌شده، طرح‌های اجراشده، و به طور کلی شهر دوست‌دار زن پیوندهای چندجانبه‌ای برقرار است. فمینیسم، به‌منزله شاخه‌ای از حقوق بشر،

دفاع از حقوق زنان و پایان بخشیدن به سلطه مردانه را هدف اصلی خود قرار داده است. عمده طرح‌های مربوط به زنان مبتنی و متکی بر مفاهیم و اصول فکری و عملی فمینیسم است. عدالت فضایی، بر اساس ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده، مبتنی بر رفتار برابر با ساکنان یک منطقه است. رعایت عدالت فضایی مستلزم نگرش برابری‌جویانه‌ای است که فمینیسم بر آن تأکید کرده است. هم‌چنین، بر اساس رویکرد حکم‌روایی خوب شهر، شهروندان ساکن یک شهر به‌مثابه اعضای جامعه مدنی باید بتوانند در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها و تصمیمات شهری نقش داشته باشند. به ایده رویکرد حکم‌روایی خوب شهر در بسیاری از پروژه‌های شهر دوست‌دار زن توجه شده است و از سوی رویکردهای فمینیستی بر آن تأکید شده است. حکم‌روایی خوب و توسعه دموکراتیک مبتنی بر پذیرش حقوق شهروندی است. از این منظر زنان گروهی محسوب می‌شوند که باید دارای موقعیت برابر با مردان در جامعه باشند؛ یعنی از منافع و حقوق شهروندی مدنی، سیاسی، و اجتماعی به‌طور یکسان بهره‌مند باشند. تأمین حقوق شهروندی هدف غایی همه پروژه‌های شهر دوست‌دار زن و هم‌چنین طرف‌داران فمینیسم است. جغرافیای فمینیستی نیز یکی دیگر از رویکردهای مرتبط است. این رویکرد که نظریات، روش‌ها، و انتقادات فمینیسم را در مطالعه محیط انسانی، جامعه، و فضاهای جغرافیایی به کار می‌گیرد، به بیان تأثیر فضاها و امکانات شهری در ادراک شهروندان اشاره می‌کند.

از میان رویکردهای مفهومی و نظری مختلفی که بیان کردیم، آنچه بیش از همه مورد توجه و علاقه پژوهش‌گر برای تحلیل وضعیت زنان در زندگی اجتماعی تهران است، دیدگاه مربوط به حقوق شهروندی و به‌ویژه شهروندی متمایز است. این دیدگاه، با توجه به برابری همه شهروندان و تأکید بر رفع تبعیض‌های مختلف و هم‌چنین در نظر داشتن موقعیت و نیازهای گروه‌های ویژه، بهتر از سایر رویکردها و دیدگاه‌ها می‌تواند مسائل و دغدغه‌های ویژه زنان در زندگی شهری را بررسی کند. به نظر می‌رسد دیدگاه مبتنی بر حقوق شهروندی ادعاهای اصلی رویکرد فمینیستی را نیز در خود جای داده است. از نظر پژوهش‌گر، تفاوت موقعیت زنان و مردان در زندگی اجتماعی تهران و دشواری‌های بیش‌تر پیش‌روی زنان در وهله اول ناشی از ضعف مفهوم شهروندی و پس از آن ناشی از اعتقاد نداشتن به شهروندی متمایز است؛ و آنچه باعث تضعیف اعتقاد و عمل به رویکرد حقوق شهروندی و به‌ویژه شهروندی متمایز و در نظر داشتن موقعیت و نیازهای متفاوت زنان می‌شود ناشی از عاملی فرهنگی است. هر چند به لحاظ رسمی و قانونی از مردم به منزله شهروند یاد شده است، اما بسیاری از مدیران و برنامه‌ریزان هنوز به لحاظ ذهنی و عملی به

حقوق شهروندی معتقد و پای‌بند نیستند و آن را در اقدامات خود اعمال نمی‌کنند. این مسئله درباره حقوق شهروندی زنان نیز به طور مضاعفی به چشم می‌خورد. چنان‌که بسیاری از طراحان و برنامه‌ریزان امور زندگی شهری هنوز نه تنها به لزوم تأمین نیازهای متفاوت زنان به مثابه شهروندانی برابر اما متفاوت با مردان معتقد نیستند، بلکه کاهش حضور زنان در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی شهری و فضاهای شهری را خواهان‌اند.

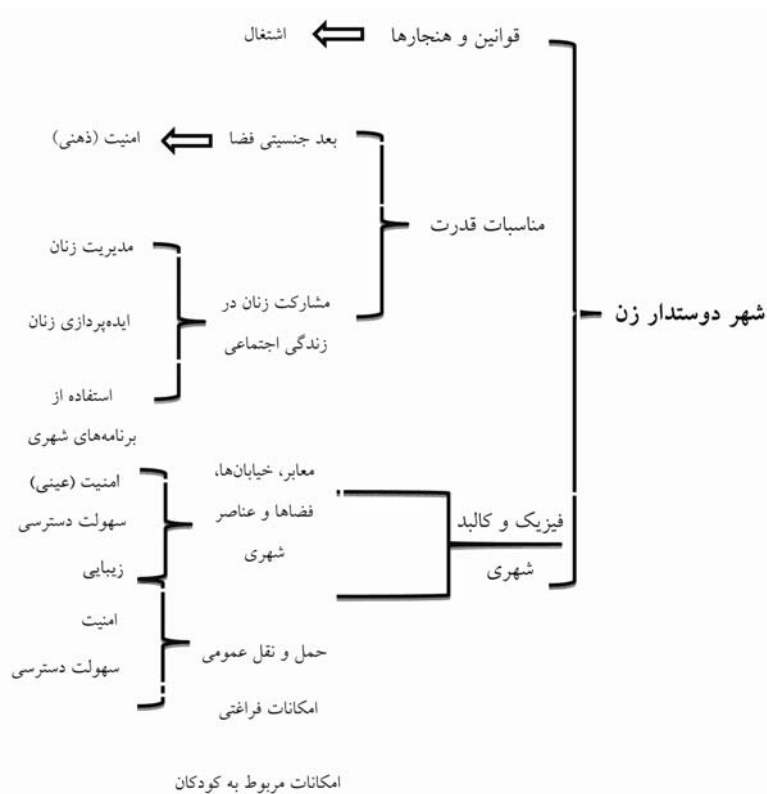
۵. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی و کیفی است. در این پژوهش از روش اتنوگرافی استفاده می‌کنیم. اتنوگرافی یا مردم‌نگاری رویکردی از پژوهش و نگارش است که در پی توصیف و تحلیل نظام مند تجربه شخصی به منظور فهم تجربه فرهنگی است. شیوه گردآوری داده‌های این پژوهش مصاحبه ساخت‌نیافته و مسئله‌محور است و راهنمای مصاحبه نیز دارد. در این تحقیق، به منظور مصاحبه مسئله‌محور، نخست با استفاده از روش مرور منابع (literature review) ابعاد و جنبه‌های مختلف شهر دوست‌دار زن را بررسی و مطالعات و تحقیقات انجام شده در این زمینه و رویکردهای نظری مربوط را ارزیابی کردیم. سپس، بر اساس آن‌ها سؤالات اولیه را طراحی کردیم. پرسش‌های اولیه دربردارنده هشت مقوله کلی امنیت، سهولت، زیبایی فضاهای شهری، امکانات فراغتی، حمل‌ونقل عمومی، امکانات مربوط به کودکان، مشارکت، و مدیریت زنان بود. در هر مقوله نیز تعدادی پرسش فرعی مطرح بود که موضوعاتی مانند برداشت و احساس فرد مصاحبه‌شونده درباره وضعیت کنونی هر مقوله، دیدگاه و نظر فرد درباره شیوه‌های بهبود وضعیت، و راه‌کارها و پیشنهادات وی را می‌سنجید. در عین حال، در خلال مصاحبه با افراد، بسته به فضا و محتوای مکالمه، پرسش‌های دیگری نیز به منظور بسط و یا تکمیل سؤالات اولیه و فرعی مصاحبه طرح می‌شدند. علاوه بر مصاحبه، از شیوه مشاهده غیرسیستماتیک (بدون مشاهده ساخت‌دار و منظم) نیز استفاده کرده‌ایم. هر چند زنان در گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها از تجربیات و احساسات خود در زندگی و فضاهای شهری صحبت کرده‌اند، اما مشاهده زنان در زندگی شهری و همچنین مشاهده فضاها و امکانات شهری نیز اطلاعات بسیاری را در اختیار ما قرار می‌دهد. به‌ویژه این که پژوهش‌گر، هم به منزله زنی که در تهران زندگی و کار می‌کند، دارای تجربیات متعددی از زندگی شهری تهران است و هم به منزله کسی که از مفاهیم بنیادین شهر دوست‌دار زن شناختی مقدماتی دارد، گفته‌ها و تجربیات زنان مصاحبه‌شونده را از چشم‌اندازی فنی و تخصصی در شهر مشاهده می‌کند، شباهت‌ها و تفاوت‌ها را درمی‌یابد، و

نکات جدید و بیان‌نشده را کشف می‌کند. حاصل مشاهدات انجام‌شده تصاویر تهیه‌شده از فضاهای مختلف شهری و نیز جرح و تعدیل گفت‌وگوها و مصاحبه‌هاست. جمعیت آماری این پژوهش شامل زنان ۱۸ تا ۵۰ سال ساکن تهران است که طی پنج سال گذشته ساکن تهران بوده‌اند. نمونه‌گیری از نوع غیراحتمالی و قضاوتی است. حجم نمونه نیز شامل نوزده نفر از زنان متعلق به گروه‌های اجتماعی و پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی مختلف است.

۶. یافته‌های پژوهش

زنان در مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها دربارهٔ تجربیات زندگی شهری و موضوعات متعدد و متنوعی سخن گفته‌اند. گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها را می‌توان در سه مقولهٔ کلی قوانین و هنجارها، مناسبات قدرت، و فیزیک و کالبد شهر دسته‌بندی کرد. هر کدام از این سه مقولهٔ کلی نیز به چند مقولهٔ جزئی‌تر تقسیم می‌شوند که در نمودار زیر ملاحظه می‌شوند:



نمودار ۱. مقولات کلی و جزئی مستخرج از مصاحبه‌های انجام‌شده

۱.۶ مقوله اول: قوانین و هنجارها

بخش مهمی از تلاش‌ها و اقدامات پروژه‌های شهر دوست‌دار زن در جهان معطوف به بعد قانونی و هنجاری زندگی اجتماعی شهری است. آنچه در این پژوهش از سوی زنان مصاحبه‌شونده بر آن تأکید شده است قوانین، هنجارها، و شرایط مربوط به استخدام و اشتغال زنان است. یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی زنان جویای کار استخدام نابرابر زنان و مردان و اختصاص بیش‌تر فرصت‌های شغلی به مردان است. مهدیه در این باره می‌گوید:

وقتی دنبال کار می‌گردی متوجه میشی توی جامعه بیش‌تر شرایط کاری رو به مردها میدن، توی فضای کاری زنا تضعیف می‌شن ... به عنوان نیروی کار ضعیف استخدام میشن ...

علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین سختی‌های زنان شاغل کمبود وقت در رسیدگی به زندگی شخصی و علایق فردی است. منیره در این باره می‌گوید:

شرایط کاری خانوما باید طوری باشه که تا ساعت دو باشن، تا هم به زندگی شون برسن، هم واسه خودشون وقت بذارن ... ساعت کاری خانوما باید فرق کنه، حتی به تبع اون حقوقشون هم فرق بکنه ... به انتخاب خودشون باشه که بیش‌تر بمونن یا کم‌تر.

علاوه بر تفاوت ساعات کار، بحث قوانین و مقررات مشاغل مانند مرخصی زایمان و هم‌چنین امکاناتی مانند مراکز نگهداری از کودکان در محل‌های کار نیز در گفت‌وگوها و مصاحبه‌های زنان به آن توجه شده است. اکرم که اخیراً شاغل شده و صاحب فرزند کوچکی است در این باره می‌گوید:

من الان خیلی درگیر مهد کودکم. خانومایی که سر کار میرن و بچه دارن، اگر مهد کودک توی محل کارشون باشه، می‌تونن به بچه‌شون سر بززن و ...

۲.۶ مقوله دوم: مناسبات قدرت

منظور از مناسبات قدرت رابطه میان زنان و مردان در فضاها، موقعیت‌ها، و شرایط مختلف زندگی شهری است. این رابطه در موقعیت‌های مختلف ممکن است به نفع یک جنسیت و با تبعیض علیه جنسیت دیگر برقرار شود. در این پژوهش بر اساس گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها می‌توان مناسبات قدرت را در دو جنبه کلی بررسی کرد.

۱.۲.۶ بعد اول: بعد جنسیتی فضا

منظور از بعد جنسیتی فضا غلبه و سلطه مردان، ارزش‌های مردانه، و خشونت مردانه است.

مهم‌ترین بحث مربوط به این بعد خشونت علیه زنان و بحث امنیت است. زنان مصاحبه‌شونده در گفت‌وگوهای خود از میزان احساس امنیت خود، مکان‌های ناامن، علت‌ها، و راه‌کارها صحبت کرده‌اند. بنابراین، امنیت هم به صورت عینی و هم به صورت ذهنی مورد توجه زنان قرار دارد. اکثر زنان مصاحبه‌شونده احساس مثبت چندانی به امنیت تهران ندارند. ظاهره در این باره معتقد است:

معلومه که تهران امن نیست ... هیچ شهری امن نیست به خصوص تهران که اصلاً ...

زنان مصاحبه‌شونده در گفت‌وگوهای خود به سه دسته عوامل کالبدی، فرهنگی، و فردی اشاره کرده‌اند که در امنیت عینی و ذهنی آنان تأثیر می‌گذارد. عوامل مؤثر کالبدی را در مقوله فیزیک و کالبد شهر بررسی می‌کنیم. برخی زنان مصاحبه‌شونده عوامل زیربنایی مانند ساختارها، فرهنگ، و اخلاق را در تأمین امنیت مؤثر دانسته‌اند. به نظر آنان آنچه در تأمین امنیت زنان مهم‌تر و مؤثرتر واقع می‌شود چندان تابع فیزیک و فضای شهری نیست، بلکه بیش‌تر امری فرهنگی است. فرزانه در این باره می‌گوید:

مسئله اینه که چرا همچین ناامنی‌ای هست؟ این یه مشکل اجتماعی، این مسائل اساسی فرق داره با نور [فضاها] و ... از گرسنگی میاد و کیف میزنه دیگه.

برخی از زنان درباره مسئله امنیت، علاوه بر عوامل بیرونی، به عوامل فردی مانند نوع رفتار زنان و پوشش اشاره کرده‌اند. زینب می‌گوید:

اگر فرهنگ‌سازی کنن ... پوشش خانوما درست‌تر بشه، شاید امنیت هم بهتر بشه.

۲.۲.۶ بعد دوم: مشارکت اجتماعی در زندگی شهری

زنان به منزله شهروندانی برابر، اما متفاوت با مردان، در صورتی می‌توانند حقوق شهروندی خود را محقق کنند و شهروندی تمام‌عیارشان را به عرصه عمل رسانند که در زندگی شهری مشارکت کامل داشته باشند. بر اساس مصاحبه‌ها، مشارکت زنان در زندگی اجتماعی شهری را در سه مقوله بررسی می‌کنیم:

الف) مشارکت در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری: برگزاری برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، تفریحی، و کلاس‌های آموزشی ویژه زنان موقعیت بسیار مساعدی برای حضور و مشارکت اجتماعی زنان در زندگی شهری فراهم می‌کند. این امر به ویژه زنان خانه‌دار را، که احتمالاً فعالیت اجتماعی کم‌تری در زندگی شهری دارند، بیش‌تر در زندگی و فضای شهری دخیل می‌کند. زنان مصاحبه‌شونده تجربه‌های بسیار متفاوتی از برنامه‌های

فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، و عمرانی شهرداری دارند. در حالی که عمدتاً زنان شاغل از کم و کیف این برنامه‌ها مطلع نیستند، بیش‌تر زنان خانه‌دار حداقل چند بار این برنامه‌ها را در قالب‌های مختلف تجربه کرده‌اند. زنان مصاحبه‌شونده به نکاتی مانند لزوم توجه به ایده‌های زنان، در نظر داشتن نیازهای واقعی آنان، استفاده از پتانسیل‌های زنان، اطلاع‌رسانی، و رعایت تنوع در طراحی و اجرای برنامه‌ها اشاره کرده‌اند. نکته مهم دیگر مورد توجه زنان این است که زنان بچه‌دار در صورتی از این برنامه‌ها استقبال می‌کنند و در آن‌ها مشارکت می‌کنند که نیازهای کودکان نیز در خلال برنامه‌ها تأمین شود و یا محلی برای نگه‌داری کودکان وجود داشته باشد. نجمه در این باره می‌گوید:

اگر خانوم ببینه اون برنامه‌ای که می‌خواد براش تهیه شه، فرهنگی ... به بچه‌اش آرامش می‌ده... [حتماً استقبال می‌کنه].

مریم نیز در این باره معتقد است:

یه برنامه‌هایی باشه واسه بچه‌ها، اگر برنامه‌های آموزشی باشه خیلی بهتره، درباره حفظ پاکیزگی شهر ... آلودگی هوا و

ب) زنان به مثابه شهروندانی ایده‌پرداز: یکی از سطوح مشارکت اجتماعی زنان استفاده از ایده‌های آنان در برنامه‌ها و طرح‌های مختلف شهری است. زمینه‌سازی برای این سطح از مشارکت نیازمند رعایت اصولی مانند نیازسنجی در برنامه‌های شهری، نظرسنجی از اقشار حاشیه‌ای، و برگزاری کارگروه‌های ترکیبی به منظور شناسایی نیازهای اقشار مختلف زنان است. با این حال آنچه حتی نیاز به این تلاش‌ها و زمینه‌سازی‌ها برای مشارکت را پررنگ می‌کند، مانع بنیادین و ریشه‌ای‌تری است که خود این نبود مشارکت را رقم زده است. توجه به این عامل زیربنایی و اصلی باعث می‌شود سایر تلاش‌ها و اقدامات مذکور نیز به نتیجه برسد. بهاره در این باره می‌گوید:

مسئله اینه که ما همش از مشارکت زنان، توان‌مندسازی زنان، جذب زنان و ... حرف می‌زنیم ... اما هیچ‌وقت به این فکر نمی‌کنیم کی زن‌ها رو غیرمشارکتی کرده؟ کی ناتوان کرده و

ج) حضور زنان در سمت‌های مدیریت شهری: در پروژه‌های شهر دوست‌دار زن عمدتاً به حضور ۵۰ درصدی زنان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری با هدف انعکاس رویکردها و نیازهای زنان تأکید شده است. بنا بر مصاحبه‌ها، اکثر زنان معتقد بودند که اگر مسئولیت پروژه‌های مختلف شهری را زنان بر عهده داشته باشند، به دلیل داشتن نگاه زنانه به جامعه، در تغییر و بهبود وضعیت زنان موفق‌تر خواهند بود. اکرم در این باره می‌گوید:

وجود یه مدیر زن خیلی تأثیر داره، وقتی یه مدیر زنه بالاخره اون زن هم جنس‌پنداری می‌کنه ...

با این حال، برخی از زنان مصاحبه‌شونده به هم‌کاری مردان و زنان در مدیریت شهری اشاره کرده‌اند؛ از آن‌جا که عموماً مردان تجربهٔ بیش‌تری در کارهای اجرایی داشته‌اند و زنان به دلیل داشتن تجربه و احساس مشترک با زنان با مشکلات و مسائل آنان نیز بهتر و بیش‌تر آشنایی دارند، هم‌کاری مرد و زن در یک موقعیت مدیریتی نتیجهٔ بهتری در پی خواهد داشت. آزاده این نکته را این‌گونه بیان می‌کند:

اگر این‌طور باشه که حتی اگر مدیر مرد هست، حتماً سه چهار تا مشاور زن داشته باشه یا اگر مدیر زن هست، مشاورهای مرد داشته باشه، بهتره.

با این حال، عده‌ای از زنان مصاحبه‌شونده نه تنها موافق مدیریت زنان نیستند، بلکه در بسیاری موارد آن را عامل نقض حقوق زنان نیز می‌شمارند. در این منظر، آنچه زمینه‌ساز تحقق حقوق شهروندی زنان و انعکاس دیدگاه‌ها و سلیقه و خواست‌های زنان در طراحی برنامه‌ها و پیش‌روی به سوی عدالت‌محور شدن جامعه است، حضور یک زن در سمت مدیریتی و تصمیم‌گیری نیست. چه‌بسا چنین مدیر زنی به ارزش‌ها و اصولی معتقد و پای‌بند باشد که نه تنها حامی احقاق حقوق شهروندی زنان نیست، بلکه خود، زنان را به منزلهٔ شهروندی درجهٔ دو می‌شناسد که باید به طرق مختلف از نقش و حضور آنان در جامعه کاست. در واقع انعکاس دیدگاه‌های زنان در مدیریت شهری می‌تواند از خلال فعالیت‌های یک مدیر مرد هم اتفاق بیفتد.

۳.۶ مقولهٔ سوم: فیزیک و کالبد شهر

۱.۳.۶ بعد اول: معابر و عناصر فضای شهری

اولین بخش از کالبد و فیزیک شهر معابر، خیابان‌ها، مبلمان‌ها، و فضاهای شهری مانند پل‌های عابر پیاده، پارک‌ها، و جوی‌ها هستند. این دسته از عناصر کالبدی از سه جهت زندگی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد: امنیت، سهولت، و زیبایی. منظور از امنیت این است که این عناصر و فضاهای کالبدی ممکن است به نحوی طراحی و ساخته شوند که امکان وقوع خشونت علیه زنان در این فضاها افزایش یابد و به همان تناسب احساس عدم امنیت زنان نیز کاهش یابد. سهولت نیز بدین مفهوم است که طراحی و ساخت برخی از این فضاها و عناصر شهری نه تنها امنیت، بلکه سهولت آنان در رفت و آمد و استفاده از

فضاهای شهری را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیبایی فضاهای شهری هم از جنبه‌های مختلف نگرش و تعلق زنان به شهر را متأثر می‌کند.

امنیت: زنان مصاحبه‌شونده در گفت‌وگوهای خود درباره امنیت عناصر و فضاهای کالبدی، مکان‌هایی مانند پل‌های عابر پیاده، پارک‌ها، زمین‌ها، و فضاهای مخروبه و متروک را ناامن دانسته‌اند. به نظر زنان مصاحبه‌شونده، روشنایی و نورپردازی مناسب فضاهای شهری، حضور پلیس، رعایت تنوع کاربری، امکان دیده شدن در فضاها، و نصب دوربین‌های نظارتی می‌تواند امنیت بسیاری از فضاها و مکان‌های شهری را افزایش دهد.

سهولت: در فضای شهری عموماً مبلمان شهری، معابر، خیابان‌ها، و پیاده‌روها ویژگی‌هایی دارند که گویا مناسب مردان جوان طراحی شده‌اند. عمدتاً زنان در گفت‌وگوهای خود به مشکلات کالبدی مانند چاله‌ها و فرورفتگی‌ها، سطوح لغزنده، پله‌های مرتفع، فاصله زیاد میان جوی‌های بدون پل، پل‌های عابر پیاده و ایستگاه‌های متروی بدون پله برقی، و پل‌های فلزی نامناسب روی جوی‌ها اشاره کرده‌اند. این موارد برای زنان در مقایسه با مردان مشکلات و سختی‌های بیش‌تری ایجاد می‌کند. طاهره که درد زانو و کمر آزارش می‌دهد، می‌گوید:

بعضی مسیرها راحت نیستن، پل‌های عابر پیاده راحت نیستن، اگر همه‌شون پله برقی داشته باشن، خوبه ... من خودم خیلی وقتاً از اتوبان رد می‌شم تا از پله نرم؛ چون نمی‌تونم از پله برم.

می‌توان گفت زنان دارای فرزند، به‌ویژه فرزندان کوچک، گروه مستقلمی محسوب می‌شوند که نه تنها دشواری‌های پیش روی همه زنان را تجربه می‌کنند، بلکه با مسائل متفاوت دیگری نیز در زندگی و فضای شهری مواجه‌اند. همراه داشتن کودکان در فضاهای شهری با سطوح ناهموار و پله‌های متعدد، وجود موانع متعدد در مسیرهای رفت و آمد، و نیاز به مکان‌هایی برای شیردهی و عوض کردن بچه‌ها دشواری‌های مضاعفی برای مادران ایجاد می‌کند. اکرم تجربه خود را این‌گونه بیان می‌کند:

من خیلی وقتاً این مشکل رو داشتم که خواستم بچه رو عوض کنم نتونستم، مجبور بودم یه ماشین دربستی بگیرم، وایسه توی خیابون بچه‌ام رو عوض کنم ... تمام این مدت استرس اینو داشتم که تا کجا برسم بچه رو عوض کنم.

زیبایی: مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها نشان می‌دهد که زنان همواره به فضاها، کالبد شهری، امکانات، مبلمان شهری، و روح موجود در فضاها به لحاظ معیارهای زیبایی‌شناختی،

معماری، و ویژگی‌های ظاهری توجه دارند. زنان به مواردی مانند لزوم به‌کارگیری نگاه کارشناسانه و در عین حال پرهیز از تخصص نابجا در اقدامات زیباسازی شهری، آموزش و ترویج فرهنگ از خلال این اقدامات، رعایت پاکیزگی به منزله عامل زیبایی، نوسازی و بازسازی بناها و معابر فرسوده و نازیبا، رعایت نظم در فضاها و ساختمان‌سازی، ایجاد فضای سبز و نورپردازی‌های زیبا به منظور زیباسازی محیط شهری اشاره کرده‌اند.

۲.۳.۶ بعد دوم: وسایل حمل‌ونقل عمومی

موضوع دیگر مورد اشاره زنان در گفت‌وگوها مسئله حمل‌ونقل عمومی در زندگی شهری تهران است. از آن‌جا که زنان در مقایسه با مردان کم‌تر با وسایل نقلیه شخصی رفت و آمد می‌کنند و به دلایل امنیتی بیش‌تر به وسایل حمل‌ونقل عمومی نیازمندند، این نکته مورد توجه اغلب پروژه‌های شهر دوست‌دار زن بوده است. وسایل حمل‌ونقل عمومی نیز مانند سایر عناصر کالبدی شهر می‌توانند از دو منظر امنیت و سهولت ارزیابی شوند که در ادامه این دو بعد را بررسی می‌کنیم:

امنیت: در اغلب مصاحبه‌ها، زنان وسایل حمل‌ونقل عمومی مانند مترو، اتوبوس BRT، و تاکسی‌های خطی را نسبتاً امن دانسته‌اند که در اکثر رفت و آمدهای خود از آن‌ها استفاده می‌کنند، اما نکته‌ای که در مواردی از مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد مواجهه با مزاحمت از سوی راننده‌های ماشین‌های سواری بوده است که در مسیر خط‌ها کار می‌کنند این مسئله نشان می‌دهد که نبود امکان شناخت هویت راننده‌های این ماشین‌ها زمینه‌ساز بروز مشکلات و مزاحمت‌هایی برای زنان می‌شود؛ به‌ویژه این‌که این ناشناسی امکان هر گونه اعلام شکایت و اعاده حقی را نیز از بین می‌برد. علاوه بر این، مسائلی مانند رعایت نکردن حقوق زنان از جانب مردان و ورود به محدوده اختصاصی زنان در مترو، رانندگی تند و نامناسب برخی رانندگان، ترمزهای ناگهانی و انتخاب مکان نامناسب برای توقف و پیاده شدن مسافران، محل نامناسب ایستگاه‌های وسایل حمل‌ونقل عمومی، و نبود توازن در توزیع امکانات حمل‌ونقل در مناطق مختلف نیز مورد توجه زنان بوده است.

سهولت: علاوه بر بحث امنیت، زنان به راحتی وسایل حمل‌ونقل عمومی و شرایط داخلی آن‌ها نیز توجه کرده‌اند. به نظر آنان، زنان در وسایل حمل‌ونقل عمومی سختی بیش‌تری را متحمل می‌شوند. این سختی‌ها با نابرابری‌های عمده ایجاد شده مانند اختصاص فضای بیش‌تر، راحت‌تر، و دارای صندلی‌های بیش‌تر به مردان در وسایلی مانند مترو و اتوبوس BRT تشدید می‌شود. علاوه بر این، شرایط داخلی وسایل حمل‌ونقل عمومی نیز

برای زنان سختی‌های بیش‌تری در مقایسه با مردان ایجاد می‌کند. بهاره تجربه خود را این‌گونه روایت می‌کند:

همه دست‌گیره‌های اتوبوس و مترو برای من بلند ... وقتی ایستادم میله گیر نمی‌آرم ... کلاً این دست‌گیره‌ها برای جسم ایرانی و به طور خاص جسم زن ایرانی مناسب نیست. هر کسی رو هم که می‌بینم دست‌گیره رو گرفته، یه کشیدگی توی اندامش ایجاد شده و توأم با آزاره.

۳.۳.۶ بعد سوم: امکانات فراغتی

زنان به دلایل مختلف فرهنگی و امنیتی و نیز محدودیت‌های قانونی و عرفی از بسیاری از فضاهای فراغتی و تفریحی حذف می‌شوند. اکثر زنان مصاحبه‌شونده معتقدند بسیاری از پارک‌های همگانی به لحاظ امنیت و راحتی جو مناسبی برای حضور زنان، به‌ویژه زنان تنها، ندارند. از نظر زنان فضای پارک‌ها بیش از آن‌که به لحاظ کالبدی و امکانات فیزیکی اهمیت داشته باشد، از نظر جو حاکم بر فضای پارک و احساس امنیت و راحتی مهم است.

یکی از امکانات فراغتی ایجادشده در پارک‌ها از سوی شهرداری وسایل ورزشی است. تقریباً همه زنان مصاحبه‌شونده بیان کرده‌اند که مایل به استفاده از این وسایل نیستند و آن‌ها را مناسب زنان نمی‌دانند. اکثر زنان مصاحبه‌شونده درباره پارک‌های ویژه بانوان معتقدند که در این پارک‌ها زنان احساس راحتی می‌کنند. این پارک‌ها فضایی را ایجاد می‌کنند که زنان می‌توانند تفریحات مورد علاقه خود را داشته باشند. نجمه در این باره می‌گوید:

توی پارک بانوان آدم احساس راحتی می‌کنه، مخصوصاً به خاطر دخترم که نوجوونه.

مهدیه هم در این باره می‌گوید:

پارک‌های بانوان خیلی خوبه، واسه خانومایی که نمی‌تونن تنها برن جای تفریحی ... از لحاظ تفریحی استخرای مجزا داره، کتاب‌خونه داره ... خیلی عالیه.

گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها نشان داد زنان شاغل، که بخش عمده‌ای از زمانشان را در محیط کار حضور دارند، با کمبودها و مسائل مضاعفی نیز مواجه‌اند. ساعت ویژه زنان در بیش‌تر فضاهای فراغتی مانند باشگاه‌ها و استخرها صبح تا عصر است و بعد از آن این فضاها به مردان اختصاص دارد. علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین موانعی که باعث می‌شود زنان دارای فرزند، به‌ویژه فرزندان کم سن و سال، نتوانند از امکانات مختلف فراغتی استفاده کنند مسئولیت نگر داری از فرزندانشان است. در فضاهایی مانند باشگاه‌های ورزشی، کلاس‌ها، و برنامه‌های آموزشی فضایی برای نگر داری از کودکان تعیین نشده است. این در حالی است که با یک برنامه‌ریزی و هماهنگی دقیق‌تر می‌توان برخی از دوره‌ها و کلاس‌های

ویژه زنان و کودکان را به صورت موازی برگزار کرد تا با حضور کودکان در برنامه‌ها و دوره‌های ویژه خود، مادران نیز از برنامه‌های مورد علاقه‌شان استفاده کنند.

۴.۳.۶ بعد چهارم: امکانات مربوط به کودکان

مادران شهر را همواره از چشم‌انداز کودکانشان نگاه و معنا می‌کنند. امکانات و خدمات مربوط به نگهداری از بچه‌ها در فضاهای مختلف شهری امکان حضور زنان دارای فرزند در فضاهای عمومی شهری و دسترسی راحت‌تر به این فضاها را ممکن می‌کند. یکی از مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین موضوعات مورد توجه مادران، وجود امکانات تفریحی، فراغتی، و ورزشی مناسب برای کودکانشان است. مادران معتقدند در برخی مکان‌ها وسایل بازی کودکان هنوز امن و مناسب نشده‌اند، البته نیاز مادران فقط وجود امکانات فراغتی و تفریحی برای کودکان نیست. بخش مهمی از نیازهای زنان دارای فرزند در ارتباط با کودکانشان بحث آموزش کودکان است. هزینه‌های خصوصی این خدمات در سطح بالایی قرار دارد و امکان تأمین آن برای اقشار کم‌درآمد فراهم نیست. بسیاری از فضاها و امکانات آموزشی دولتی نیز از کیفیت مناسبی برخوردار نیستند. مهدیه در این باره می‌گوید:

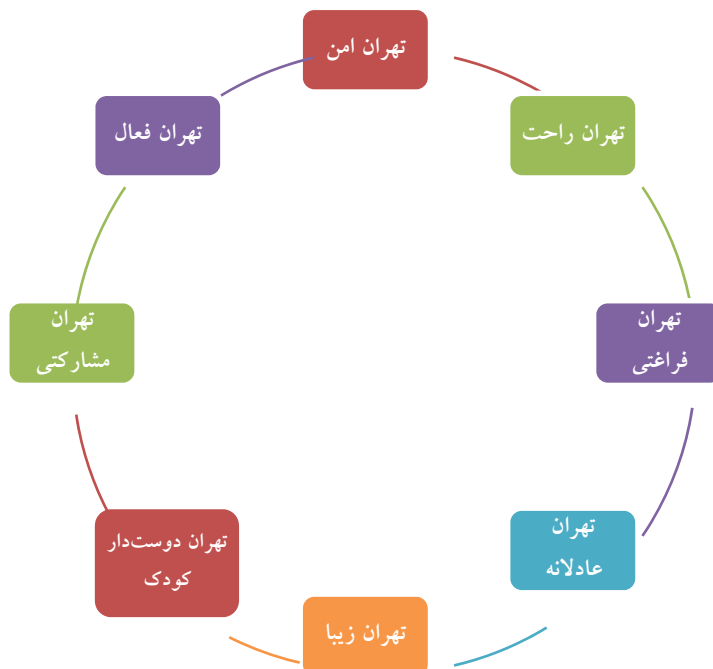
هزینه‌های آموزشی، تفریحی، و ورزشی بچه‌ها خیلی بالاست و همه‌جا هم شرایطش خوب نیست.

بالا بودن هزینه‌های درمانی مراکز خصوصی، نبود دسترسی آسان و سریع به خدمات دولتی و نبود همه تخصص‌های مورد نیاز در مراکز درمانی از دیگر مسائل پیش روی مادران در ارتباط با کودکانشان در زندگی شهری است.

حاصل بررسی صحبت‌های زنان همان معیارها و راه‌کارهایی است که زنان مصاحبه‌شونده برای رفع نیازها و مسائلشان در زندگی شهری ارائه داده‌اند. این معیارها در واقع پاسخ به پرسش‌های پژوهش ماست که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۷. پاسخ به پرسش اصلی پژوهش

«زنان ساکن تهران چه ویژگی‌ها و معیارهایی را برای دوست‌دار زن شدن تهران بیان می‌کنند؟» از نظر زنان مصاحبه‌شونده، به منظور دوست‌دار زن کردن تهران، توجه و رسیدگی به هشت جنبه کلی در طراحی فضاهای شهری و همچنین برخی سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات ضروری است. این هشت جنبه را به صورت هشت صفت برای تهران در نظر گرفته‌ایم که در نمودار زیر مشاهده می‌شوند.



نمودار ۲. ویژگی‌های شهر دوست‌دار زن از نظر زنان مصاحبه‌شونده

زنان در گفت‌وگوها و مصاحبه‌های خود راه‌کارهای زیر را برای تحقق ویژگی‌های بیان‌شده پیش‌نهاد داده‌اند:

۱.۷ تهران امن (تأمین امنیت عینی و ذهنی)

۱. بهبود وضعیت روشنایی‌ها و نورپردازی معابر و فضاهای شهری؛
۲. نصب نکردن تابلوهای تبلیغاتی روی پل‌های عابر پیاده به منظور امکان دیده شدن؛
۳. نظارت در مکان‌های خلوت و پارک‌ها (پلیس، گشت، و نگهبان)؛
۴. نظارت بر ایستگاه‌های اتوبوس خلوت به‌ویژه هنگام شب؛
۵. رسیدگی به وضعیت زمین‌ها و بناهای متروک و مخروبه؛
۶. رعایت تنوع کاربری در طراحی و ساخت فضاهای شهری؛
۷. رعایت اصل «امکان دیده شدن» در ساخت فضاهای شهری؛
۸. برقراری امکان دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی در همه مناطق به‌ویژه مکان‌های خلوت و دور از مرکز شهر در ساعات گوناگون شبانه‌روز؛

۹. نظارت و نظم‌دهی به نظام حمل‌ونقل عمومی به منظور رفت و آمد منظم این وسایل؛
۱۰. نظارت عمیق‌تر بر عملکرد رانندگان تاکسی (حضور در مسیر تعریف‌شده در همه ساعات به‌ویژه در شب‌ها و در زمان بارندگی)؛
۱۱. نصب برچسب حاوی اطلاعات شناسایی راننده و کد تعریف‌شده روی شیشه تاکسی‌های خطی به منظور شناسایی هویت راننده؛
۱۲. نظارت دقیق بر ایستگاه‌های مترو به منظور جلوگیری از ورود مردان به واگن‌های ویژه بانوان؛
۱۳. نظارت بر نحوه رانندگی رانندگان تاکسی به منظور تأمین امنیت جانی سرنشینان؛
۱۴. آموزش فرهنگی مبتنی بر منع خشونت علیه زنان.

۲.۷ تهران راحت

۱. قرار دادن پله برقی برای همه پل‌های عابر پیاده و ایستگاه‌های مترو و نظارت بر سالم و روشن بودن آنها؛
۲. افزایش تعداد پل‌ها روی جوی‌های عریض؛
۳. ترمیم فرورفتگی‌ها و لغزندگی‌های سطوح معابر و پل‌های فلزی؛
۴. تخصیص فضای برابر و مشابه به زنان و مردان در وسایل حمل‌ونقل عمومی؛
۵. تغییر و اصلاح عناصر داخلی وسایل حمل‌ونقل عمومی متناسب با جسم زنانه (افزایش تعداد دست‌گیره‌ها، کاهش فاصله دست‌گیره‌ها)؛
۶. ایجاد اتوبوس‌های ویژه زنان (مانند اتوبوس‌های مردانه)؛
۷. ترمیم سطوح و رفع موانع پیاده‌روها و معابر به منظور رفاه حال مادران؛
۸. ایجاد اتاق‌های استراحت، یا افزایش نمازخانه‌ها، به منظور کمک به رفاه حال زنان مسن و مادران دارای فرزند کوچک در مکان‌های عمومی سطح شهر و در معرض دید قرار دادن و نظارت بر آنها؛
۹. نظارت بر اتاق‌های کودک در مکان‌های عمومی و تخصیص امکانات بهتر و مناسب‌تر برای کودکان؛
۱۰. قرار دادن سرویس‌های بهداشتی تمیز، امن، و در معرض دید و آمد در سطح شهر و مکان‌های عمومی؛
۱۱. ایجاد مراکز مشاوره‌ای رایگان یا کم‌هزینه برای زنان.

۳.۷ تهران فراغتی

۱. افزایش تعداد پارک‌های ویژه بانوان در مناطق گوناگون تهران؛
۲. اختصاص دادن فضایی به ورزش بانوان در پارک‌های عمومی؛
۳. ایجاد فضایی برای دوچرخه‌سواری بانوان در مناطق گوناگون شهر؛
۴. ایجاد امکانات فراغتی فرهنگی (کتاب‌خانه متناسب با همه سنین، جلسات، کارگاه‌های گفت‌وگو و هم‌اندیشی)؛
۵. تغییر ساعت و زمان ویژه زنان در باشگاه‌های ورزشی و استخرها به منظور امکان استفاده زنان شاغل (تخصیص امکانات به زن‌ها به صورت یک روز در میان)؛
۶. ایجاد محلی برای نگهداری از کودکان در باشگاه‌های ورزشی و استخرها به منظور امکان استفاده مادران از این امکانات یا ایجاد مکان‌های آموزشی ویژه کودکان به صورت هم‌زمان با دوره‌ها و کلاس‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، و ... شهرداری به منظور امکان استفاده مادران از این برنامه‌ها.

۴.۷ تهران زیبا

۱. به‌کارگیری نظر کارشناسان مختلف فرهنگی، اجتماعی، هنری، ادبی، و علمی در زیباسازی شهری؛
۲. در نظر داشتن سطح آگاهی و نیازهای مخاطبان در اقدامات زیباسازی شهری (پرهیز از تخصص نابجا)؛
۳. آموزش فرهنگ از طریق نقاشی‌ها، تصاویر، و درج جملات؛
۴. حفظ پاکیزگی و بهداشت فضاهای شهری؛
۵. نوسازی بناها و معابر؛
۶. ایجاد نظم در فضا (رعایت الگوی مشابه در ساختمان‌سازی و ایجاد پارکینگ در مناطق پرازدحام)؛
۷. ایجاد فضای سبز و طراحی فضاها با گل و درخت؛
۸. نورپردازی‌های شکیل و متنوع؛
۹. رعایت جذابیت و تنوع در طراحی و ساخت محیط؛
۱۰. انعکاس روح و چشم‌انداز زنان در معماری و ساخت‌وساز؛

۱۱. آموزش اصول فرهنگی به کودکان و افزایش تعلق آن‌ها به شهر از طریق طراحی، نقاشی‌ها، تصاویر، و جملات.

۵.۷ تهران عادلانه (رعایت عدالت فضایی)

۱. دسترسی همه مناطق به همه وسایل حمل و نقل عمومی؛
۲. رسیدگی به وضعیت عناصر کالبدی و ترمیم و اصلاح آن‌ها در همه مناطق؛
۳. دسترسی به امکانات فراغتی، تفریحی، آموزشی، و ... در همه مناطق و محلات؛
۴. انجام دادن اقدامات زیباسازی شهری به صورت یکسان در همه مناطق.

۶.۷ تهران دوست‌دار کودک

۱. ایجاد وسایل بازی امن برای کودکان و نظارت بر آن‌ها؛
۲. تأمین امنیت عینی و ذهنی در فضاهای فراغتی کودکان؛
۳. ایجاد و افزایش امکانات آموزشی و فرهنگی مانند کتاب‌خانه‌ها، دوره‌های آموزشی، و ...؛
۴. کاهش هزینه‌های آموزشی و تفریحی کودکان؛
۵. افزایش تعداد بیمارستان‌های کودکان در تهران و بهبود خدمات بهداشتی و درمانی کودکان.

۷.۷ تهران مشارکتی

۱. تلاش و زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت اجتماعی زنان در ابعاد مختلف زندگی شهری؛
۲. افزایش تعداد زنان در سمت‌های مدیریتی شهری؛
۳. افزایش تعداد مشاوران زن برای مدیران مرد؛
۴. تلاش برای انعکاس دیدگاه‌ها، چشم‌اندازها، و نیازهای اقشار مختلف زنان، از طریق مدیران مرد یا زن؛
۵. رفع موانع فرهنگی و اجتماعی و نگرش‌های منفی به مدیریت زنان از طریق زمینه‌سازی برای حضور، فعالیت، و اثبات توانایی‌ها و استعدادهاى زنان؛

۶. نیازسنجی و نظرسنجی از اقشار زنان درباره محتوا و نحوه اجرای برنامه‌های مختلف عمرانی، فرهنگی، و اجتماعی شهرداری، رسیدگی به این دیدگاه‌ها و پیش‌نهادات و تعدیل آن‌ها از منظری کارشناسانه؛
۷. استفاده از توانایی‌ها و مهارت‌های زنان در اجرای برنامه‌های مختلف شهری؛
۸. ایجاد اعتماد به نفس در زنان خانه‌دار و کم‌سواد از طریق زمینه‌سازی برای جلب حضور و مشارکت آن‌ها در طرح‌های مختلف شهری؛
۹. اطلاع‌رسانی مکفی و مناسب در همه مناطق و به همه اقشار درباره برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری؛
۱۰. در نظر گرفتن نیازهای مختلف کودکان در برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، و ... و تدارک برنامه‌های ویژه کودکان.

۸.۷ تهران فعال

۱. تخصیص عادلانه فرصت‌های شغلی به زنان و مردان به‌ویژه درباره مشاغل و سمت‌های مهم و اثرگذار اجتماعی؛
۲. کاهش ساعت کاری زنان نسبت به مردان به منظور برقراری تعادل میان نیازهای شغلی و خانوادگی آن‌ها؛
۳. فراهم کردن امکانات نگهداری از کودکان در محل کار؛
۴. بهبود وضعیت و کیفیت خدمات در مهد کودک‌های دولتی؛
۵. تدوین قوانین و مقرراتی که بازگشت زنان به سرکارشان بعد از زایمان را تضمین کند.

۸. پاسخ به پرسش‌های فرعی پژوهش

«زنان در رده‌های مختلف اجتماعی چه معیارها و شاخص‌هایی را برای دوست‌دار زن شدن تهران بیان می‌کنند؟»

بررسی و تحلیل گفت‌وگوهای انجام‌شده با زنان در رده‌های مختلف اجتماعی حاکی از آن است که مسائل، سختی‌ها، نیازها، و دغدغه‌های این زنان، بیش از آن‌که متفاوت و متنوع باشد، دارای شباهت و یک‌دستی است. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که رده اجتماعی به منزله متغیری مستقل، در مسائل و نیازهای شهری زنان تأثیر چندانی ندارد. زنان مصاحبه‌شونده درباره هشت عنوان بیان‌شده تجربیات و احساسات مشترکی دارند. فقط در

موارد معدودی در ارائه راه‌کارها یا مصادیق می‌توان تأثیر رده اجتماعی را مشاهده کرد. این موارد عبارت‌اند از:

- در مبحث امنیت درباره عوامل مؤثر در امنیت محیطی، زنان مدرن عوامل فرهنگی و ساختاری را در امنیت مؤثر دانسته‌اند و به عامل فردی مانند نوع پوشش و حجاب اشاره نکرده‌اند، البته زنان متعلق به هر دو گروه به عوامل کالبدی نیز تأکید کرده‌اند.

- در بحث از اوقات فراغت، مخالفت با پارک‌های بانوان، از جانب دو مورد از زنان مدرن بوده است، البته سایر زنان مدرن نیز با پارک بانوان موافق بوده‌اند و ایده‌ای مشابه سایر زنان داشته‌اند.

پرسش فرعی دوم: «زنان متعلق به پایگاه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی چه معیارها و شاخص‌هایی را برای دوست‌دار زن شدن تهران بیان می‌کنند؟»

آنچه درباره متغیر رده اجتماعی گفته شده درباره پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز صادق است. زنان متعلق به پایگاه‌های مختلف، تقریباً در همه موارد مطرح‌شده، دارای تجربیات، احساسات، و دیدگاه‌های مشترکی بوده‌اند. برخی تفاوت‌های جزئی عبارت‌اند از:

- زنان متعلق به پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر بر کاهش هزینه‌های تفریحی، فراغتی، آموزشی، و ... به‌ویژه برای کودکان بیش‌تر تأکید کرده‌اند.

- برخی زنان متعلق به پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر، به‌ویژه به دلیل پایین بودن سطح تحصیلاتشان، تمایل و اعتماد به نفس کم‌تری برای مشارکت اجتماعی دارند.

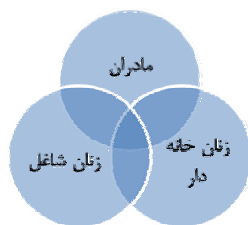
۹. نتیجه‌گیری

هر چند هنوز مفهوم شهر دوست‌دار زن در مجامع و پژوهش‌های علمی و دانشگاهی مصطلح نشده و حتی متخصصان و دانش‌جویان رشته‌های جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، و مطالعات شهری نیز برداشت یکسانی از این مفهوم ندارند. بررسی‌ها و ارزیابی‌های پژوهش‌گر درباره گفت‌وگوها و مصاحبه‌های انجام‌شده با اعضای نمونه این پژوهش نشان می‌دهد که هر چند شاید زنان مصاحبه‌شونده نیز درک چندانی از مفهوم شهر دوست‌دار زن نداشته باشند، با این حال اعتقاد به اصول و مبانی آن در بطن اندیشه و احساس بیشتر زنان وجود دارد. زنان ساکن تهران نیز، به منزله زن ایرانی مسلمان شهرنشین، در زندگی شهری خود با همه مسائل و نیازهایی مواجه بوده‌اند که شهر دوست‌دار زن برای رفع و تحقق آن‌ها تلاش می‌کند. مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای زنان از

تجربه زندگی شهری‌شان نشان می‌دهد که آنان مدت‌هاست به سختی‌ها و مشکلات مضاعف پیش روی زنان در زندگی و فضاهای شهری پی برده‌اند. زندگی شهری زنان سرشار از تجربه موقعیت‌ها و شرایطی است که آنان را با مسائلی متفاوت از مردان مواجه کرده است.

هم‌چنین، اگر مقایسه‌ای میان تجربیات جهانی مطرح‌شده و داده‌های این پژوهش انجام دهیم، درمی‌یابیم که این دو دسته اطلاعات شباهت بسیاری دارند. مواردی مانند بهبود وضعیت اشتغال، تأمین امنیت زنان در زندگی شهری، تأمین سهولت دسترسی به فضاهای شهری و وسایل حمل‌ونقل عمومی، و مشارکت زنان از جمله مواردی بوده‌اند که در پروژه‌های مونترآل، سئول، استانبول، و کوچی هند به آن‌ها توجه شده است. شباهت این اقدامات با دیدگاه‌های زنان مصاحبه‌شونده نشان می‌دهد که زنان، به رغم زندگی در شهرها و فرهنگ‌های مختلف، دغدغه‌ها و مسائل اصلی شهری‌شان مشترک است. به بیان دیگر، زنان ایرانی مسلمان شهرنشین مسائل و نیازها و هم‌چنین همه معیارها و شاخص‌های مورد نظر در یک شهر دوست‌دار زن را از چشم‌انداز بومی و فرهنگی خود لمس و تجربه کرده‌اند. با این حال، به منظور ایجاد شهر دوست‌دار زن، باید نیازهای اقشار مختلف زنان سنجیده شود و امکانات و خدمات مورد نیاز آنان در زندگی شهری ایجاد شود.

از بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها با زنان نتیجه می‌گیریم که برخلاف بسیاری از موضوعات و مسائل اجتماعی که متأثر از متغیرهای پایگاه اقتصادی و اجتماعی و رده اجتماعی است، معیارهای مورد نظر زنان برای یک شهر دوست‌دار زن متأثر از این دو عامل نیست، بلکه دو عامل بسیار مهمی که تفاوت در دیدگاه‌ها و چشم‌اندازها و به همان تناسب تفاوت در نیازها و مسائل را به همراه دارد وضعیت اشتغال زنان و داشتن یا نداشتن فرزند است. زنان شاغل و مادران گروه مستقلی محسوب می‌شوند که به واسطه چشم‌انداز متفاوتشان به شهر با مسائل و نیازهای متفاوتی در زندگی شهری مواجه‌اند. هم‌پوشانی‌ها و تفاوت‌های گروه‌های مختلف زنان را می‌توان بدین صورت ترسیم کرد:



نمودار ۳. هم‌پوشانی نیازهای گروه‌های مختلف زنان در زندگی شهری

بنابراین طراحی و اجرای برنامه‌های شهری، که هدفشان بهبود وضعیت زنان در زندگی شهری و تسهیل حضور و فعالیت آن‌هاست، در صورتی به موفقیت و نتایج مورد انتظار دست می‌یابند که تفاوت و تنوع در دیدگاه‌ها و نیازهای این سه گروه متفاوت لحاظ شود. با توجه به مجموعه بررسی‌ها و تحلیل‌های این پژوهش درباره داده‌های تجربی، رویکردهای مفهومی و نظری، و همچنین اطلاعات مستقیماً جمع‌آوری شده، می‌توان افق و چشم‌انداز آینده تحقق شهر دوست‌دار زن در ایران را پیش‌بینی کرد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که هر چند کلان‌شهر تهران در برخی ابعاد و جنبه‌ها از مرتبه دوست‌دار زن فاصله زیادی دارد، اما در برخی زمینه‌ها برای بهبود وضعیت زنان اقداماتی انجام شده است، البته برخی از این اقدامات فقط منطبق با سیاست‌های کلان دولتی بوده و نیازهای واقعی زنان را در نظر نداشته است. نمونه این اقدامات را در مقوله اوقات فراغت و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری بررسی و مشاهده کرده‌ایم که برای مثال در نظر نداشتن نیازها و موقعیت گروه‌های ویژه، مانند مادران کودکان خردسال، مانع از ثمربخشی این اقدامات برای عموم زنان می‌شود.

بنابراین، تحقق شهر دوست‌دار زن در تهران نخست نیازمند تغییر و دگرگونی اندیشه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور شهری و تحول نگرش آنان به مفهوم مهم شهروندی است. همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، به نظر می‌رسد مؤثرترین رویکرد مفهومی و نظری مرتبط و تبیین‌کننده مفهوم شهر دوست‌دار زن مفهوم حقوق شهروندی و به‌ویژه شهروندی متمایز گروه‌های خاص مانند زنان است. سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، و مسئولان در صورتی می‌توانند برنامه مدونی برای طراحی و اجرای پروژه‌های دوست‌دار زن تدارک ببینند که اعتقاد به حقوق شهروندان را در ذهن و عمل خود درونی و عملیاتی کنند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت شهر دوست‌دار شهروند مقدمه‌ای برای تدارک برنامه‌های شهر دوست‌دار زن است. بدون اعتقاد ذهنی و عملی به معنای واقعی شهروندی، تحقق نیازهای گروه‌های مختلف شهروندان در زندگی و فضاهای مختلف شهری ضروری تلقی نمی‌شود. بنابراین، در صورتی می‌توان انتظار اجرای برنامه‌های دوست‌دار زن در کلان‌شهر تهران را داشت که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به نیازها و موقعیت زنان به‌مثابه شهروندانی برابر، اما متفاوت با مردان، واقف باشند و این آگاهی را اجرا کنند. پذیرش حق شهروندی متمایز زنان در جامعه تحول‌یافته امروز، که تمایل و میزان حضور و مشارکت زنان در زندگی اجتماعی شهری یکی از نشانه‌های توسعه‌یافتگی است، مستلزم تغییر نگرش سنتی به نقش‌ها و فعالیت‌های زنان است. نگرش‌های سنتی مبتنی بر نقش همسری و مادری زنان،

بدون در نظر داشتن توانایی‌های متعدد زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت اجتماعی، که در بسیاری از قوانین رسمی و سیاست‌های فرهنگی منعکس شده است، مانع از دیدن واقعیت‌های اجتماعی حضور روزافزون زنان در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی می‌شود. چنین امری مانع از درک صحیح موقعیت زن امروزی می‌شود و بنابراین مسائل و دغدغه‌های متنوع زنان در زندگی شهری نادیده انگاشته می‌شود. از این رو، شهرهای ایرانی از جمله کلان‌شهر تهران در صورتی می‌توانند به سوی دوست‌دار زن شدن پیش روند که در آن‌ها جای‌گاه و حضور زنان در زندگی شهری امروزی و دغدغه‌ها و مسائلمان واقعی تلقی شود و مورد توجه قرار گیرد.

پس از این تحول مقدماتی مهم، در نظر داشتن نیازها و دغدغه‌های واقعی گروه‌های مختلف زنان باید در دستور کار قرار گیرد. فاصله میان معیارها و ویژگی‌های شهر دوست‌دار زن با ویژگی‌های عینی تهران در برخی ابعاد و جنبه‌ها به دلیل نادیده انگاشتن نیازهای واقعی زنان است. این امر موجب می‌شود به رغم تلاش برای رفع مشکل شهروندان به طور کل و زنان به طور خاص، مسائل همه زنان در زندگی شهری برطرف نشود. یکی از منابع مهم کسب ایده درباره دغدغه‌های گروه‌های مختلف زنان جنبش‌ها، سازمان‌ها، و انجمن‌های حمایت از زنان است. در ایران ایجاد شهرهای دوست‌دار زن در صورتی با اقبال و موفقیت همراه می‌شود که این انجمن‌ها و سازمان‌ها اجازه فعالیت داشته باشند و به لحاظ رسمی و قانونی و همچنین غیررسمی با افکار و ایده‌های مخالف طرد نشوند.

بنابراین و با توجه به شرایط، به نظر می‌رسد در حال حاضر شهر دوست‌دار زن در ایران با موانع مختلف قانونی و فرهنگی رسمی و غیررسمی مواجه است. چنین شرایطی سبب می‌شود پروژه‌های مختلف دوست‌دار زن طراحی و اجرا نشوند و طرح‌های ویژه زنان نیز سمت و سویی خاص و تعریف‌شده بگیرند. این امر از طرفی صرف هزینه‌ها و از طرف دیگر رفع نشدن نیازهای واقعی زنان و دور شدن شهر از معیارهای دوست‌دار زن را در پی خواهد داشت.

منابع

- اعتماد، گیتی، اعظم خاتم، و ترانه یلدا (۱۳۸۷). «هویت‌یابی زنانه در فضاهای عمومی»، میزگرد جنسیت و شهر، نشریه جستارهای شهرسازی، ش ۲۴ و ۲۵، بهار و تابستان.
- پرتویی، پروین (۱۳۹۱). «کارگروه زنان و فضاهای عمومی شهری»، مقاله‌های اولین همایش علمی پژوهشی زنان و زندگی شهری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، آبان و آذر.

تانکیس، فرن (۱۳۹۰). *فضا، شهر و نظریه اجتماعی؛ مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهر*، ترجمه حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.

توانا، محمدعلی (۱۳۹۰). «برابری جنسیتی در نظریه شهروندی متمایز آیریس ماریون یانگ»، *نشریه زن در توسعه و سیاست*، دوره نهم، ش ۴.

داداش‌پور، هاشم و فرامرز رستمی (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ش ۱۶.

دلورس، ماریا و دیگران (۱۳۹۲). «بازسازی محله با مطالبات زنانه»، ترجمه نسیم گل‌کو، *نشریه زن‌نگار*، ش ۱۲.

رفیعیان، مجتبی و علی حسین‌پور (۱۳۹۰). *حکم‌روانی خوب شهر از منظر نظریات شهرسازی*، تهران: طحان / هله.

شورت، جان رنه (۱۳۹۰). *نظریه شهری، ارزیابی انتقادی*، ترجمه کرامت‌الله زیاری، حافظ مهدی‌نژاد و فریاد پرهیز، تهران: دانشگاه تهران.

غنام، فرها (۱۳۹۲). «بیرونی و اندرونی»، ترجمه رفعت شمس، *نشریه زن‌نگار*، ش ۱۲.

قرایی، فریبا (۱۳۹۱). «شناسایی عوامل کیفیت محیط با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی و زیبایی‌شناختی و تأثیر آن بر حضور زنان در فضاهای عمومی شهر»، *مجموعه مقالات اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زنانگی شهری*، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

Abada, Nora (2013). *Understanding Women-Friendly Cities: Distilling Elements from United Nations Designated Cities*, Indiana: Ball State University.

GÖZKE, Özge (2009). 'Woman-Friendly Cities', <www.bianet.org/.../118039-women-friendly-cities>.

Ramsay, Sholto (2014). 'The 'Nirbhaya Kerala' Project to Inaugurate on Feb 15th', <<http://www.karmakerala.com/news/tag/women-safety/>>.

Usha (2013). 'Kochi to be a Women Friendly City', <<http://www.karmakerala.com/news/2013/03/25/kochi-to-be-a-women-friendly-city/>>.

